

روزنامه <p>همدل</p>
<div><div>روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</div></div>
یکشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۱ ۱۹ ذیحده ۱۴۴۳_ ۱۹ ژوئن ۲۰۲۲_ شماره ۱۹۵۸ _ سال هفتم
۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۷۴
hamdelidaily.ir newspaper.hamdeli@gmail.com www.hamdeli.com t.me/HamdeliNews
صاحب امتیاز ، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
چاپ: ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت‌ها، دیو، مطالب

آن نسل، این نسل و این ترانه‌های بی لبخند

– من دارم از مصادیق حرف می‌زنم از چیزهایی که هویت تو را تعریف می‌کند تمامیت سرزمینی که تو خودت را با آن تعریف می‌کنی.
باشند، باشند، اوکی! ملموس‌تر و صداقی‌تر اصلاً بگو آن نسل چه در چنته‌اش بود، منظوم چیزهایی از جنس صداقت و عشق و ایمان و حتی باورهای عمیق مذهبی‌اش نیست کمی کالایی‌تر حرف بزینم.
از تولیدش حرف بزینم.
درک آنچه تو می‌گویی و می‌خواهی کمی دشوار شده، ضمن آنکه آنچه در پی شنیدنش از زبان من هسته کمی تقلیل گرایانه است.
– نه! این‌طور نیست، چطور بگویم: دلم می‌خواهد که خوب آن نسل به‌عنوان‌مثال ادبیات خودش، شعر و موسیقی و هنر خودش، علم و دستاوردهای علمی خودش و البته چه‌بسا خطاها و اشتباهات خودش را داشت.

– دارید نزدیک می‌شوید: سینما، ادبیات، موسیقی و شعر و سرود و سروده‌ها، چیزهایی که کنسرو شده میل‌ها، خواسته‌ها، حسرت‌ها و رؤیا و دل‌مشغولی‌های مردم یا یک نسل در آن متبلور می‌شود.

– باشد به‌وقت خودش درباره سینمای فردین آن نسل هم حرف می‌زنیم.

– و فقط گنج قارون نبود که خوب یا بد سینما و ادبیاتش حرف‌وحديث، ریخت‌شناسی و روایت‌شناسی خودش را دارد و خود قصه دیگر است.

– این نسل هم قصه و شعر و مثل و موسیقی و بالطبع سینمای خودش را دارد.
– آسباب نبودت! به وقتش از داش آکل و قیصر و پهلوان اکبر تا گاو و گوزن‌ها، تبارشناسی سینما و رؤیاها و عشق‌های آن نسل و این نسل و تفاوت‌هایش حرف می‌زنیم و قصه می‌کنیم خدا را چه دیدی، شاید این قصه کردن منصفانه فتح باب و مقدمه گفتگویی نه عصبانی و پرخاشگرانه که صمیمانه و از عمق خانه وجود میان دو نسل شد.

– روایت‌شناسی نسل‌ها در یک گفت‌وگوی ژرف و رودررو این رویداد خجسته‌ای است: هیجان‌انگیز جذاب هم هست.

– و صدالبته دشوار برای منصف و صادق و شفاف بودن.

– باید به انتظار نشست و دید.

داستانک



فیض شریفی

داستان‌نویس

جوان‌تر که بودبهرت‌بود.گاهی سرکوچه،چلومرغی، کبابی، باقله بلویی می‌آورد و وقت ناهار پیش ما می‌آمدروسری‌اش را برنمی‌داشت هرگزهنوزم اکنون‌هیچ‌وقت‌اما مواهیش تا سقف سرش پیدا بودمن نگاه نمی‌کردم، از دور هم پیدا بود تکلیفش با خودش معلوم نبودشاعر بود. شعر می‌خواند هنگام غذا، چند سؤال ادبی می‌کرد هنگام غذا، بعد هم با لبخندی لطیف می‌رفت برون از خانه.یک روز که حوصله‌ام از این زندگی نکبتی سررفت شدید، به از رنگ زدم که برویم آنور کوه، می‌خواهم آتش بیفرزوم در کوهستان‌ها، دفتر شعری در دستم بودبزری درخت یاسمنی یا یاسی که یک‌پورش خشک و آن‌سوی سفید، بنشستیم،من به برکه کوچکی که جل‌یک زده بود نگاه می‌کردم و آن‌سوی کوه چنددرفی به ما نگاه می‌کردندو مرد و یک زن از سمت راست پایین آمده بودند و در دست هرکدام چند شاخه گل نرگس بودمرد رو کرد به من با یک گل، گل را دادم به او.زیر لب گفت:«هرسی» و غروب داشت می‌آمد از راه، هرچه چوب و خس و خاشاک بود از کنار برکه و زیر درختان انار و لوله آب برداشتم، کبریت کشیدم و کوهستان روشن شد.رهنه‌روی ما، توی آن ساختمان سهطبقه چند چراغ روشن شد و سوت کشیدند چند مرد و چیغ کشیدند چند زن.عصبانی بودم از کسی یا دگری که مرا ول کرد و…چه فایده داشت و دارد گفتن سوز و سوختن و دلگیری چند سگ زوزه کشیدند و رنگش شد سرخ شدید،گفت:«برویم؟»و رفتیم‌از تپه‌اشنی و گلی بالا رفتیم،لبیز خورد و خوردیم و تا شعله‌های سرکش آتش رفتیم و ماندیم.گفت:«استمر را دل نزن، قول بده دستم را ول نکنی.» نفهمیدم آن زمان را می‌گفت یا قصدش

تب دارم شدید

این بود که من تا ابد پایش باشم.یادم آمد که لیوایی چای را جا گذاشتم آن شب،خیلی آن لیوان را دوست می‌داشتم شدیدفردا وقت نهار آن را آوردبا خودم گفتم چه شجاع است این زن،می‌خواستم بی‌محل‌با رویش را یا دستش را بوسم بسیار و شدیدندگذاشت.شاید با شرم یا چه می‌دانم شاید از من نمی‌دید که این‌قدر متواضع باشم،شایدهم در محظور گیر کرده بود و معذور بود، شدیدمی‌دانست اوضاعم قراشمیش و قمردرعرب شده.شاید می‌خواستت مرا از این مصیبت برهاند،شدید.گفتم:«تو چرا باید سی‌وچندساله و من باید پنجاهوندی سال داشته باشم‌اکنون؟ گاهی من جرأتی دارم شدید،به‌اندازه یک خرس و پلنگ‌نگفت چیزی و حرفم را جدی نگرفت.دفتر شعرش را گذاشت روی کتاب‌هایم و گفت:«وقت کردی بنویس»

خواندم، خواب نبود خیلی،یعنی‌ما نرگفت و نوشتم‌اما دلخو‌ر شد.زنگی زد و شکایت و گله،گفتم:«دمی‌زاده شاعر که پزشک است و پلنگ‌باید‌همه‌چیز را تجربه کند و نترسد از هیچ‌چیز،شدید.مثلاً یک نفر را می‌شناسم که تفرغ دارد.گنده‌ماغ است و پولش از یارو بالا می‌رفت‌ای‌بی‌رود ولی شعر عاشقانه می‌گوید نه این‌طور که شدیدمی‌دانم توی عمرش به زنی یا کسی چیزی، تعظیم که هیچ، ننگرسته،نازنی ابددلخو‌ر شد شدید و گمت:«فرصت ما کم بودهست شدید.عاشق یک‌هم‌آغوشی مفصل هستم ولی ما همیشه وقت نداریم، می‌ترسیم صبح نرسیم به ادر،بیمارستان.»کشورم باشد تیمارستان، تیمارستان باشد کشور من، من‌من من، شدید،حرفش را جدی نگرفتم هرگز.همیشه دیر می‌فهمم من، البته می‌دانستم‌بخ به فلک هم نخواهد داد هرگز و شدید.خوب شد که نفهمیدم من‌من نمی‌گویم چقدر، مرا خدمت کرد.مثلاً یک راهبه که خود را فنا می‌کند و کسی را از

شهره

حاشیه‌های یک جمله شهید چمران برای علیرضا زاکانی

چمران برای من و شما نسخه می‌نویسند. مثل همین پرده‌ای که شهرداری به در و دیوار زده و برای مردم نسخه پیچیده. اگر به خودشان می‌شغلی او یا پست شهرداری تهران عنوان شده بود وهمان زمان برخی از موافقان او به صورت مکرر این وضعیت را توجیه می‌کردند، انتشار یک بنر با تصویر شهید چمران با سخنی از او، یک بار دیگر این موضوع را درباره شهر تهران زنده کرد. می‌گونی‌ای که برخی آن را طعنه‌ای به شهرداری علیرضا زاکانی ارزیابی کردند. در این بنر که در سطح شهر تهران نصب شده است، به نقل از شهید دکتر مصطفی چمران آمده است: «آنکه تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست.» جمله‌ای که بسیاری در فضای مجازی و رسانه ای کشور، مخاطب واقعی آن را شخص علیرضا زاکانی می‌دانند و با اشاره به تخصص پزشکی هسته‌ای وی و اشاره به وضعیت نمرات او در دانشگاه، معتقدند که برخی در شهرداری تهران خواسته‌اند به زاکانی طعنه بزنند و ادعاهایش پیرامون تقوا را زیر سؤال ببرند. رضا کیانیان بازیگر مطرح سینما که چندسال‌ی است که اتفاق‌های سیاسی و اجتماعی واکنش‌شان می‌دهد در مواردی نیز جنجال‌ساز شد در این باره خطاب به زاکانی نوشت: «حالا، از حرف‌های

اگرچه

درباره داستان «تیم‌شنا» از مجموعه داستان «هیچ‌کس مثل تو مال اینجا نیست» اثر میراندا جولای

هراس از کشف جزئیات

دنیا ماریا که ازقضا اسم او هم نیست، می‌شود. روزها با عبارت «مرور تمرین شنا داریم» یا «مرور تمرین شنا نداریم» آغاز می‌شود. برشی بین حقیقت مسخره و هیچ، یا به قول او «واقعیتی پوچ و توخالی». همین‌هیچ‌هم‌گاه‌نگ حقیقت می‌گیرد، وقتی مریی شنا، یکی از شاگردانش را در شهر که چیزی نیست جز چند خانه و یک بمب‌بازین و یک فروشگاه، می‌بیند و از روند تمریناتشان می‌پرسد؛ تلاشی برای بلن زن به حقیقت تغییر نام ماریا به «خانم مریسی» هم مریی است بین همین حقیقت و هیچ، در واگویی با دوست‌پسر سابقش، خودساخته،هرچندمسخره.

روزنامه‌نگاری

بگذشت و چه گویم که چه بر من بگذشت سیلاب محبتم ز دامن بگذشت دستی به دلم فرو کن ای یار عزیز تا تیر بینی که ز جوشن بگذشت

منتقدانکلام

مستعبر:

کسی که مال غیر را به عاریه می‌ستاند.

سنند:

سند، قیاله و دلیلی که به آن استناد کنند.

مصالح:

کسی که در عقد صلح ایجاب از ناحیه اوست.

مجازستان

- میری دندون‌تو درست کنی، کارت که میکشی مشکل قلبی هم پیدا می‌کنی.
- نود درصد ایثابی که دربه‌در دنبال بلیت کنسرت همایون شجریاینم، صرفاً میرن که به استوری بگیرن بگن من خیلی فاخرم و فقط به چیزی اصیل بها می‌دم. احتمالاً تو همون کنسرت‌م حوصله‌شون سر میره، با هندزفری تلووبی چیزی گوش میدن.
- بله بالاخره مهد مسورد نظر رو توی تهران پیدا کردم و رقتم بچه رو ثبت‌نام کنم که دیدم یکی از شرایط ثبت‌نام اینه که بچه یا پدر یا مادر اقامت به کشور اروپایی یا کانادا دار داشته باشن. **(Sayeh)**
- شما دور اطرافتون کسی رو دیدین که اسمش ساسان باشه؟ اصلاً وجود خارجی ندارن، انگار این اسم رو ساختن که فقط بذارنش روی شخصیتای منفی و دخترباز تو فیلمای دهه هشتاد.

زیباترین

کپکشان به رنگ «لاته کپهانی» است

دانشمندان متوسط رنگ جهان هستی را محاسبه کرده و آن را لاته کپهانی نامیده‌اند. در سال ۲۰۰۲ ستارشناسان پس از بررسی‌های بسیار به این نتیجه رسیدند که میانگین نوره‌ای خارج‌شده از کپکشان‌ها و ستاره‌های درون آن‌ها در کنار توده‌های گازی مرئی و گردوغبار در جهان هستی رنگی نزدیک به عاجی مایل به سفید ایجاد می‌کند.
حققان نام این رنگ را «لاته کپهانی» گذاشتند. حال سؤال اینجاست که چرا جهان هستی بژاست؟ تعداد کپکشان‌هایی که نور قرمز، زرد و سبز تولید می‌کنند از تعداد کپکشان‌هایی که نور آبی تولید می‌کنند، بیشتر است. از سوی دیگر رنگ بژ تقریباً در کل آسمان به شکل رقیقی وجود دارد. در نهایت از میانگین این رنگ‌ها، رنگ عاجی مایل به سفید یا «لاته کپشانی» به وجود می‌آید.

رصد هم‌زمان ۵سیاره در آسمان تا ۵روز آینده

کارشناس نجوم از رؤیت ۵سیاره به‌صورت هم‌زمان در آسمان شب خبر داد و گفت: رصد این سیارات از بامداد تاقبل از طلوع خورشید طی ۵روز آینده امکان‌پذیر است. مرصاد جعفری، کارشناس نجوم به خبرنگار مهر درباره اجتماع و رؤیت سیارات در آسمان به‌صورت هم‌زمان بدون ابزار و تجهیزات رصدی گفت: تمام سیارات در آسمان از بامداد ۲ روز گذشته تا ۵ روز آینده با چشم غیرمسلح قابل رصد هستندوی با بیان اینکه بازه زمانی رؤیت این سیارات از بامداد تا قبل از طلوع خورشید است، گفت: عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل از جمله این سیارات هستند که می‌توانیم آن‌ها را به‌راحتی در کنار هم با وجود آلودگی نوری رصد کنیم.کارشناس نجوم با اشاره به اینکه در میان این سیارات دو سیاره از بقیه کم‌نور و پر نورتر هستند، گفت: «زهره» درخشان‌ترین و «عطارد» کم‌نورترین این سیارات هستند که به‌راحتی قابل‌مشاهده هستند.جعفری ادامه داد: به‌نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین سیارات به ما در افق شرقی آسمان به همان ترتیبی که فاصله آن‌ها از خورشید است، چیده شده‌اندوی با بیان اینکه این سیارات در جنوب شرقی آسمان قابل‌رؤیت هستند، گفت: در کنار اجتماع زیبای سیارات، کره ماه نیز به این ترکیب اضافه‌شده است و زیبایی این پدیده را دوچندان می‌کند و راهنمای خوبی برای یافتن این هم‌نشینی است.

فکاور

بوستر فالکون ۹ برای سیزدهمین بار

به فضا رفت ووبرگشت

شرکت اسپیس ایکس یکی از موشک‌های فالکون ۹ خود را برای سیزدهمین بار به فضا پرتاب کرد. به‌این‌ترتیب رکورد جدیدی در استفاده چندباره از موشک ثبت شد. این موشک دوقسمتی از مرکز فضایی کندی واقع در ایالت فلوریدا آمریکا همراه ۳ماه‌سواره اینترنتی استارلینک به مدار زمین رفت. این نخستین مأموریت از سه پرتاب موشکی است که اسپیس ایکس طی روزهای آینده انجام می‌دهد. حدود ۱۵.۵دقیقه پس از پرتاب موشک، ۳ماه‌سواره اینترنتی در مدار زمین قرار گرفتند. همچنین حدود ۸.۵دقیقه پس از پرتاب نیز قسمت اول موشک فالکون ۹ مذکور به زمین بازگشت و به‌طور عمودی روی پهپاد کشتی اسپیس ایکس در اقیانوس آرام فرود آمد. این سیزدهمین پرتاب فرود قسمت اول این موشک است که رکوردی جدید برای استفاده دوباره از بوستر برای اسپیس ایکس به‌حساب می‌آید. بوستر مذکور قبلاً در عملیات پرتاب یک ماهواره جی‌بی‌اس، یک ماهواره مخابراتی ترکیه، چند ابزار فضایی در مأموریت ارسال اشتراکی محموله «ترانسپورتر ۲» و همچنین ارسال ۹محموله ماهواره استارلینک به مدار زمین استفاده‌شده است.این شرکت هم‌اکنون بیش از ۲۷۰۰ماهواره اینترنتی استارلینک به مدار زمین پرتاب‌ساده و پیش‌بینی می‌شود تعداد آن‌ها در آینده نیز افزایش یابد. احتمالاً این شبکه در آینده شامل ۲۰هزار ماهواره خواهد شد.



درجه